

باستان‌شناسی جنگ و خشونت

چشم‌اندازی باستان‌شناختی به جنگ ایران و عراق

پیدا کردن موسوی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: موسوی، سید حسن، ۱۳۶۶ شه‌ریور-
عنوان و نام پدید آور: باستان‌شناسی جنگ و خشونت: چشم‌اندازی باستان‌شناختی
به جنگ ایران و عراق / سید حسن موسوی؛ ویراستار عبدالله حکیم.
مشخصات نشر: تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، انتشارات، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۴-۳۴-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه: ص، ۱۵۷.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹

موضوع: Iran-Iraq War، ۱۹۸۸-۱۹۸۰

موضوع: باستان‌شناسی

Archaeology: موضوع

شناسه افزوده: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ب ۸/۱۶۰۰ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۳۸۴۱۵



نام کتاب: باستان‌شناسی جنگ و خشونت

نویسنده: حسن موسوی شرفی

ناشر: انتشارات موزه دفاع مقدس تهران

ویراستار: عبدالله حکیم

صفحه آرای: علیرضا جماعت‌لو

طراح جلد: سارا حنیف

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۹,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۴-۳۴-۰

نشانی: میدان ونک، اتوبان حقانی، خیابان سرو، موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۵۷۰۲۰

فهرست

ک	مقدمه
۱	فصل اول: باستان‌شناسی و جنگ ایران و عراق
۱۵	فصل دوم: جنگ، خشونت و باستان‌شناسی
	فصل سوم: بیمارستان‌های صحرایی جنگی
۶۱	یک بستر باستان‌شناسانه
۳۷	فصل چهارم: باستان‌شناسی و بدن، سرباز و بدنش
	فصل پنجم: جنگ و بقایا، نامه‌ها و دست‌نوشته‌های
۲۷۲	بر جای مانده، یادگارهایی از بدن‌های مفقود
۲۹۹	فصل ششم: جنگ یک مسئله بی‌پایان
۳۱۷	منابع و مآخذ

«گشت نجات نیافته نباید به خاک سپرده شود و تنها با یادآوری لجوجانه با نوعی وفاداری پیگیر است که می‌توان امید رستگاری چنین گذرهای را زنده نگاه داشت» (عمادیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

زمانی که آتش راگر جنگ جهانی دوم، میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان به کام مرگ فرومی‌برد، بی‌شک آنانی که در بحبوحه آتش و خون هموز به روی جهان چشم داشتند، لحظه به لحظه از خویش پرسیده‌اند، آیا جهان بعد از جنگ را خواهند دید؟ بمباران هر روز شهرها به آتش کشیده شدن ساختمان‌ها و خانه‌ها، استفاده از انواع سلاح‌ها و تجهیزاتی که جان انسان‌ها را، نه یک‌به‌یک که دسته‌دسته می‌گرفت و نابودشان می‌کرد؛ انتشار میکروب‌ها، گازهای سمی و دی‌های انفجارهای اتمی، همه و همه نمایش هرروزه مردمانی بود که در میانه بهت و حیرت به جهان در حال سوختن می‌نگریستند و امیدی به زیستن دوباره در این جهان، زیر بار سنگین این خشونت پایان‌ناپذیر نداشتند. خشونتی که نه تنها جان ملت‌ها را هدف گرفته، که روح و روان آن‌ها را نیز مورد حمله و ستیز قرار داده بود. شاید هیچ تصویری دردناک‌تر از خودکشی صدها

ژاپنی غیرنظامی در مقابل دیدگان سربازان آمریکایی نباشد که «یا گلوی همدیگر را می‌بریدند، یا با نارنجک‌های دستی خود را منفجر می‌کردند» تا از یک‌سو به ذلت اسارت گرفتار نشوند و از سوی، به بهشتی که به آن‌ها وعده داده‌شده بود دست یابند (ناردو، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

داستان جنگ و خشونت، داستانی وحشتناک و حیرت‌آور است که با حرف‌ها و کلمه‌ها و واژه‌ها توصیف نمی‌شود. رویت‌ها و هولناکی از مرگ آدم‌ها که در بستر زندگی خویش به یک‌بار نابودی کامل می‌رسند. اما، جنگ که پایان بگیرد و خشونت نمایان و عریان که دوباره در سایه ابزارها و وسایل خویش پنهان شود، داستان دردناک مرگ و کشتار، خرابی و ویرانی، نابودی، آتش‌ها و روان‌های رنجور از این همه درد، به یک‌باره سر بلند می‌کند. انسان بازمانده در مقابل این همه تباهی و نابودی چه خواهد کرد؟ این پرسشی اساسی است که اندیشمندان بسیاری، نه فقط پس از جنگ که بر خرابه‌های «جنگ بزرگ»، زیر آتش منور برافروخته آن از خویش می‌پرسیدند. آتشی که حتی پس از مرگ صدها هزار انسان در ژاپن و اتمام جنگ جهانی دوم، روزیست. جنگ سرد، کشتار وحشیانه بوسنی و سارادو، جنگ ویتنام، عراق، کویت، نسل‌کشی‌های دیکتاتوری و به یک‌باره یازده سپتامبر، به مثابه ذره‌ای فروافتاده بر انبوهی از درد و خشم، ناگهان انسان متعهد را از خواب غفلت و انتظار کشنده برای پایان یافتن این حجم عظیم خشونت، بیدار کرد. جنگ انگار پایانی نداشت و

باید در همین بجهت خرابی و ویرانی برای انسان حبس در بند درد کاری کرد.

در چنین شرایطی، میان تمام کسانی که رنج انسان مدرن سؤال و مسئله‌شان بود، کسانی که در جلسه‌ها، همایش‌ها، کرسی‌های دانشگاهی، مجامع عمومی و حتی خیابان‌ها و در میانه مردم برای یافتن چاره‌ای، راه‌حل و شاید پاسخی برای رام کردن این خسونت تمام‌نشده به دور یکدیگر جمع شده بودند و به بحث می‌پرداختند، سخنرانی می‌کردند، باستان‌شناسانی که به دنیای خویش بر سر معاصر متعهد و برای میراثی که جنگ و خسونت به انسان امروز، شاید نسل‌های آیند تحمیل می‌کرد، نگران بودند و نگاهشان به گذشته بسیار دور انسانی، گذشته قابل احترام و آموزنده اما تمام شده به گذشته نزدیک و اکنون انسان‌ها برگردانند و با انبوه تریه‌ای که از باستان‌شناسی گذشته‌های دور حاصل شده بود به روز زمان خویش چشم گشودند. اینجا باستان‌شناسی که همان روز میراثی برج‌های دوقلو، بر آوارهایی که به ناگاه داستان زندگی هزاران انسان را با خود به زیر خاک برده بود، شروع به کاوش کرده و با رویکردی متفاوت، رویکردی منتقدانه که گذشته را به ابژه آنچه تمام شده و حالا باید دوباره بازخوانی‌اش کرد نمی‌دید، دست به کاوش در مسائل روز انسانی در ابعاد جهانی زد.

باستان‌شناسی نیز، با شعار تعهد به انسان و جهان معاصر، در کنار دیگر اندیشمندان، به پرسش از جنگ به عنوان مهم‌ترین مسئله در دناک انسان کنونی پرداخت. پرسشی که بیش از آنکه

از گفته‌ها، روایت‌ها و انبوه برگ نوشته‌های تاریخ معاصر بیرون بیاید، از خرابی‌ها، ویرانی‌ها، آهن‌پاره‌های برجای مانده از خانه‌ای که روزی مأمن انسان‌هایی شرافتمند بود، از تمامی مادیات برجای مانده از خشونت و جنگ بیرون می‌آمد. اینجا بود که باستان‌شناسی جنگ با رویکردی باستان‌شناختی و البته چندرشته‌ای، به پرسش از جنگ پرداخت و در کنار روایت‌ها و خاطره‌ها، در کنار نوشته‌ها و کاغذهایی که هر روز از جنگ و داستان آن پر می‌شدند، به مادیات جنگ پرداخت و کوشید نه‌تنها به جهان مادی انسان رنج‌کشیده و جنگ‌زده سامانی بدهد که امر به شناختی عمیق از چیستی مسئله‌ای که با آن دست‌به‌گریبان بود، رساند. هرچند در این راه دشوار با مسائلی چون، پروپاگاندا، نازی‌رالیسم و دولت‌های متمایل به رسانه‌های دولتی و سکوت، دست‌به‌گریبان بوده و هست.

در این خصوص هولبیک و همکارانش در مقاله «چشم‌انداز جنگ در گزارش‌های باستان‌شناسی» سوال بسیار مهمی مطرح می‌کنند: آیا آثار برجای مانده از جنگ موضوعیت موضوع تحقیق باستان‌شناسی را دارد و باستان‌شناسی در این زمینه به‌عنوان رشته‌ای مستقل و دارای توانایی پژوهشی نیازمند به رسمیت شناخته شدن است؟ (Hollebeeke et al, ۲۰۱۴: ۷۰۲-۷۰۳)

آنچه هولبیک در اینجا و پژوهشگران باستان‌شناس دیگر در پژوهش‌های خویش حول محور آن بحث می‌کنند این است که مادامی که از جنگ‌ها انبوه مدارک مادی، از بقایای بدن کشته‌شدگان تا ویرانی‌ها و خرابی‌ها و ساخت‌وسازهای جنگی،

برجای می‌ماند، باستان‌شناسی مشروعیت می‌یابد. با استفاده از روش‌های خود یعنی گردآوری بقایای مادی رفتارهای انسانی و شناخت این رفتارها بر پایه مواد، در خصوص مسئله جنگ دست به تحقیق بزند.

حتی فراتر از این باستان‌شناسی چگونه می‌تواند به تحقیق و پژوهش در باب جنگ دست نزند وقتی انبوه مدارک مادی جنگ بین‌سو و آن‌سو در سرزمین‌های جنگ‌زده گسترده است، مواردی که پناهایی عمیق و مختلف در جامعه داشته و به عمیق‌ترین مسائل انسانی در زمان جنگ اشاره می‌کنند. بر این اساس چگونه است که تصور کنیم نمی‌توان جنگ را از منظری باستان‌شناسی مورد بررسی و کاوش قرار داد. جنگی با انبوه مواد و نشانه‌های مادی برجای مانده که هرکدام بازگوکننده داستان درد و رنج سده‌ها و هزاران انسان قربانی آن است. داستان‌هایی که هرگز شنیده نمی‌شوند. و هرگز خوانده نمی‌شوند چرا که از آن قربانیان از دست رفته‌اند. قربانیانی که خشونت جنگ صدایشان را در لفافه سکوت پنهان و قلمشان را از نوشتن بازداشته است. اینجا است که تنها بقایای مادی، تنها آنچه از یک رویداد، یک انسان در گذشته، یک زندگی عشق و دوست داشتن، یک اندیشه و یک تفکر برجای ماند است، می‌تواند بازگوکننده و روایت‌کننده باشد. در اینجا باستان‌شناسی جنگ با مستندنگاری دقیق و اصولی مدارک مادی، بقایای برجای مانده، بدن‌ها و اسناد، همین‌طور خوانش آن‌ها بر اساس مبانی نظری و علمی خویش به‌دوراز هیاهوی تبلیغات سیاسی

حاکمیت‌ها و دست ترسناک پروپاگاندا، می‌کوشد صدای خاموش محذوفان و قربانیان جنگ باشد.

این دانش، با مبنا قرار دادن مواد برجای مانده و مدارک مادی، به جای محوریت دادن به اسناد تاریخی، نه تنها به بازسازی تاریخ مادی جنگ می‌پردازد که مفاهیم انسانی دیگری چون، جنگ و خشونت، جنگ و بدن، جنگ و زندگی روزمره، جنگ و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و جنگ و جامعه را مورد پرسش قرار می‌دهد و می‌کوشد پاسخ آن‌ها را از راه بازخوانی ادویه مواد برجای مانده بیابد. بدین ترتیب، نه تنها این مواد ساختارهای مادی، به مثابه مواد فرهنگی و تولیدشده در شرایطی ویژه به نام جنگ، در چهارچوب نظامی دانشگاهی و قابل ارجاع به نام باستان‌شناسی قابل ثبت و ضبط هستند بلکه می‌توانند مورد ارزیابی قرار گرفته و برای روشن شدن جنبه‌های مختلف جنگ مورد پرسش قرار گرفته و تفسیر شوند. اما، علی‌رغم این واقعیت مهم، تاکنون هیچ سابقه‌ای از فعالیت در خصوص باستان‌شناسی جنگ در کشورمان به انجام نرسیده و در این زمینه سابقه‌ای موجود نیست.

گذشته از باستان‌شناسی جنگ (جنگ‌های معاصر)، در ارتباط با باستان‌شناسی معاصر نیز، سابقه قابل توجهی در ایران به چشم نمی‌خورد. باستان‌شناسی معاصر به دلیل وجه انتقادی و نگاه تیزبینانه به مسائل انسانی در بستر معاصر و به دلیل دیدگاه‌های نظری و سیطره باستان‌شناسی ملی‌گرایانه و وضعیت دولت‌ها، نه تنها در ایران که در خاورمیانه چندان

با اقبال باستان‌شناسان و دولت‌ها مواجهه نشده است) پاپلی
یزدی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). در خصوص باستان‌شناسی جنگ که خود
یکی از انواع باستان‌شناسی‌های معاصر قلمداد می‌شود نیز،
وضعیت مشابهی به چشم می‌خورد. عدم تمایل باستان‌شناسان
به فعالیت در بسترهایی از این دست (جنگ معاصر ایران و
عراق)، حدک بودن متخصصین باستان‌شناسان معاصر و فقدان
کرسی‌های دانشگاهی و تعلیم دانشجو در این زمینه از یک‌سو
و عدم تمایل برخی مسئولان به ورود باستان‌شناسان منتقد و
تیزبین به عرصه جنگ، به‌خصوص باستان‌شناسی میدان‌های
جنگی و کشته‌شدگان جنگ به دلایل بی‌شمار از جمله
ناشناخته بودن این شاخه از باستان‌شناسی و وجهه سیاسی-
انتقادی آن، باعث شده تا کم‌توجهی در این خصوص صورت
نگیرد. به این ترتیب این اثر، اولین گامی است که در باب باستان‌شناسی
جنگ است و حاصل پروژه‌ای دانشگاهی است که با دیدگاهی
باستان‌شناسانه به مسئله جنگ ایران و عراق پرداخته و بخشی
از این پدیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در چهارچوب
دانش باستان‌شناسی، تجزیه و تحلیل کرده است.
بی‌شک، هر کار پژوهشی مرهون حمایت‌ها و هم‌فکری
کسانی است که هرکدام در مراحل، از ایده پردازی تا نتیجه‌ی
نهایی، همراه بوده و یاری رسانده‌اند. به این ترتیب، در آغاز
از استاد عزیز و گرامی‌ام، دکتر لیلا پاپلی یزدی سپاسگزارم.
استادی که از آغاز و شکل‌گیری ایده این پژوهش تا آخرین
صفحات نگارش و نتیجه‌گیری، یاری‌ام نموده و با دقتی

در خور و شایسته، نه تنها روند علمی این پژوهش را مورد نظر قراردادند که در ارتباط با مسائل حاشیه‌ای و مشکلات موجود، از هیچ حمایت و راهنمایی دریغ نکردند. همین‌طور استاد گرامی، دکتر امیرصادق نقشینه که با صبوری و تلاش فراوان در تمامی مراحل، راهنمایی‌ها و نظرات سازنده‌ای ارائه داده و مرا حمایت نمودند، تشکر می‌کنم.

همچنین تشکری صمیمانه و گرم خدمت دوستان خونگرم و مهمان نواز بومی در سه شهر سردشت، بانه و کرمانشاه دارم. دوستان محترم در انجام فعالیت‌های میدانی، از شناسایی حوزه‌ها مستندنگاری و گردآوری داده‌هایاری نمودند. از دوستان بسیار گرامی، جناب آقای حاج صالح عزیزیور اقدم، نائب رئیس انجمن قربانیان شیمیایی سردشت به‌عنوان راهنمای محلی در شهر سردشت، جناب آقای فاتح زارع‌فر و خانواده محترمشان، با عنوان راهنما و حامی بومی و محلی در شهر بانه و آقای مهندس نجیب‌الله شادمانی و خانواده گرامی، به‌عنوان راهنما و حامی بومی در شهر کرمانشاه، در جریان شناسایی اولیه، حضور در منطقه و امکان، همین‌طور مستندنگاری و بررسی میدانی بیمارستان‌های راجه سردشت، شهید سجودی بانه و شیخ صله کرمانشاه بی‌نهایت تشکر و قدردانی می‌کنم. در بخش مستندسازی داده‌های انسان‌شناختی، از جانباز و رزمنده گرامی جناب آقای «ز» به دلیل همکاری بی‌شائبه و در اختیار قراردادن اطلاعات شخصی و اجازه بررسی بدن، شخصی‌ترین دارایی انسانی، کمال تشکر را دارم. در

بخش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، اسناد و خوانش داده‌های مستندنگاری شده، از جناب آقای قادری در بهداری و طب رزمی سپاه و همچنین جناب آقای زارع و خانم خلیل‌زاده در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، جناب آقای دکتر منتظر و امیر غلامحسین دربندی در بخش معارف جنگ نیروی زمینی ارتش، جمهوری اسلامی ایران و جناب دکتر نظام‌الدین در بسیج جامعه پزشکی، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

www.ketab.ir